اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت شانزدهم)

خوی حیوانی

شاید بتوان در یک جمله ، هدفی که شیطان برای زندگی انسانها تعیین میکند را بیان کرد : توقف و سکون فکر و عدم استفاده از آن و یا تفکرات منفی. در آیه زیر خدای مهربان می فرماید که جهنم را برای جن و انسانهایی آفریده است که مثل چهارپایان زندگی میکنند و از قلب و چشم و گوش خود استفاده نمی کنند.

وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ ﴿١٧٩﴾

و در حقیقت بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده ایم [چرا که] دلهایی دارند که با آن [حقایق را] دریافت نمی کنند و چشمانی دارند که با آنها نمی بینند و گوشهایی دارند که با آنها نمی شنوند آنان همانند چهارپایان بلکه گمراه ترند [آری] آنها همان غافل‌ماندگانند (۱۷۹)

خدای حکیم ، این افراد را به انعام و یا چهارپایان تشبیه کرده است. اگر بشر، از تفکر و تعقلی که که خدا توانایی اش را به او داده است ، جهت کنترل نفس خویش استفاده نکند؛ خوی حیوانی را در خود پرورش میدهد و قطعا از این نظر از حیوانات هم گمراهتر خواهد شد.

هر چند که صفات بد حیوانات بطور غریزی در آنها آفریده شده است و در این مورد گناهی ندارند. خدا آنان را برای استفاده بشر آفریده است و از آنان انتظار تفکر و تعقل ندارد. اما از انسان انتظار تعقل و تفکر دارد. خوی حیوانی یعنی صفتی در انسان که شبیه صفت زشت حیوانات است و اگر انسان از خدا دور شود؛ مثل آنان میشود.

افراد طماع و پرخور مثل خوک زندگی میکنند. افرادی که با همه سر جنگ دارند و همیشه در حالت حمله اند، در قرآن به میمون طرد شده تشبیه شده اند. کسانی که از گلو داد میزنند و سعی دارند که دیگران را به وسیله صدای نکره و بلند تحت تاثیر قرار دهند، صدای آنان به صدای خران تشبیه شده است. کسانی که علم و آگاهی نسبت به کتاب خدا دارند ولی به آن عمل نمی کنند، به خرانی که کتابهایی را حمل میکنند، تشبیه شده اند.

هر حیوانی با یک صفت نامناسب آفریده شده است و البته برای ما ناپسند است و نه برای خودشان. آنان غریزی آفریده شده اند و اما انسانی که پرهیزگار نباشد، مستعد

داشتن صفات این حیوانات خواهد شد. یعنی یک انسان میتواند صفات بد خوک و صفات بد میمون طرد شده و صفا بد خران و صفات بد گرگ را با هم داشته باشد. یک گرگ درنده است و وقتی به یک گله حمله میکند، بیشتر از نیاز خود گوسفند می درد و این یک صفت حیوانی زشت گرگ است. یک خوک نجاست خوار و پرخور و طماع است و... اما یک انسان میتواند به رتبه ای از تنزل برسد که تمام این صفات زشت را با خود داشته باشد؛ یعنی هم صفات زشت خوک و هم صفات زشت میمون طرد شده و هم صفات زشت گرگ را با هم داشته باشد. به همین خاطر خدای حکیم می فرماید که بعضی انسانها حتی از حیوانات هم گمراهترند.

باید بدانیم که حیوانات برای استفاده و عبرت بشر خلق شده اند. ما از شیر و گوشت و پوست گاو و گوسفند بهره می بریم. یک شیر، شکارش را قبل از خوردن، خفه میکند و این مهم است تا شکار زجر نکشد. اما یک کفتار شکارش را خفه نمی کند و حیوان شکار شده در تمام مدت خورده شدن، شاهد خورده شدن خود و زجر کشیدن خود است. بعضی صفات زشت و بعضی صفات خوب در حیوانات بطور غریزی آفریده شده است. بعضی از حیوانات هم بطور غیر مستقیم به محیط زیست بهره می رسانند. آنان با صفات خوب و بدشان؛ در طبیعت به تعادل رسیده اند. حیوانات حتی با داشتن صفات بدشان، معصوم آفریده شده اند. آنان برای انسان و همچنین برای متعادل سازی محیط زیست آفریده شده اند و گناهی متوجه آنان نیست.

اما انسان باید صفاتی را داشته باشد که نیکو و پسندیده باشد. تنها راه دوری از صفات زشت حیوانی، تقوا و پرهیزگاری و دوری از حقه های شیطان است. کسانی هستند که ادعا دارند، آدمهای دینداری نیستند و به قول خودشان همه اصول انسانی را رعایت میکنند! اما بطور قطع کسی که نماز بجا نیاورد و صبر و تقوا نداشته باشد؛ ناخودآگاه به سمت صفات زشت حیوانی روی خواهد آورد.

بعد از سالها زندگی روی کره زمین، باید متوجه شده باشیم که صفات حیوانی و غریزی که لذت واقعی دارند، روی این کره خاکی موجود نیست و اگر لذتی هم هست، بسیار ناچیز است. بشر باید متوجه شود که لذتهای واقعی غریزی در سرای آخرت است. خدا با زبان عربی ساده و مبین صراحتا اعلام میدارد که ای مردم زندگی روی کره زمین جز سرگرمی و بازیچه ای بیش نیست و زندگی حقیقی و حیوان حقیقی (زندگی و لذت حیوانی واقعی) در سرای آخرت است؛ در آخر آیه خدا می فرماید که: ای کاش مردم میدانستند.

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿۶۴﴾

این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازیچه نیست و زندگی حقیقی همانا [در] سرای آخرت است ای کاش می دانستند (۶۴)

اگر انسان از عقل و تدبر و تفکر در اعمالش استفاده نبرد، خودبخود خوی حیوانی اش را برجسته میکند. صفات و خوی حیوانی همان چیزی است که شیطان خیلی روی آن کار میکند و به این طریق خیلی ها را گمراه می کند. و این نقطه ضعف اصلی تمام انسانهاست . شیطان به ما انسانها القا می کند که لذتهای دنیا انحصارا در خویهای حیوانی است و تمام هدف زندگی را به این مورد منحصر میکند و اکثریت افراد جامعه بدون این که خود بفهمند این را باور کرده اند. این که انسان به صفات حیوانی خویش تکیه کند و آن را هدف اصلی زندگیش کند؛ به یک تله بسیار خوب برای شیاطین تبدیل میشود.

بسیاری از عرفانهای جدید که در سراسر جهان گسترش یافته اند؛ این ایده را تبلیغ میکنند که بشر برای کامجویی و بهره بردن از صفات حیوانی آفریده شده است. به همین خاطر برای دست یافتن به آن، مجبور به کنار زدن دین شده اند. آنان در عرفان خویش دنیا را طوری تعریف کرده اند که دنیا در مقابل دین قرار می گیرد. عرفان اشو اعلام میکند که انسان برای سکس آفریده شده است و باید در این مورد به کمال برسد. او لذت واقعی را در صفات حیوانی میداند و البته بطور صریح هم هدف خویش را از این کار ابراز میدارد. او آزادی را در کنار زدن دین و چسبیدن به صفات حیوانی و سکس میداند. البته جالب است که حتی کسانی که با اشو آشنایی ندارند و حتی اسمش را هم نشنیده اند؛ همین روش را برای زندگی برگزیده اند. زیرا روشها یکی است و منشاء روشها یکی است و آن کسی نیست جز شیطان . شیطان کسی است که

با روشهای مختلف سعی دارد که دین را در مقابل دنیا قرار دهد. در حالی که در دین خدا؛ دنیا به معنای محل زندگی پست و دون است و دین برای نجات بشریت از این محل دون است. اما بعضی ها دستورات خدا را نادیده گرفته و به همین محل دون تکیه میکنند و جهان آخرت را فراموش میکنند.

اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ ﴿۲۰﴾

بدانید که زندگی دنیا در حقیقت بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشی شما به یکدیگر و فزون‌جویی در اموال و فرزندان است [مث ل آنها] چون مث ل بارانی است که کشاورزان را رستنی آن [باران] به شگفتی اندازد سپس [آن کشت] خشك شود و آن را زرد بینی آنگاه خاشاك شود و در آخرت [دنیا پرستان را] عذابی سخت است و [مؤمنان را] از جانب خدا آمرزش و خشنودی است و زندگانی دنیا جز کالای فریبنده نیست (۲۰)

رام کنندگان حیوانات سیرک ، برای مطیع کردن حیوانات از یک روش ساده استفاده می کنند. وقتی که حیوان هنوز بچه است ، یکی از پاهای او را به تنه درخت بزرگی می بندند. حیوان کوچک هرچه تلاش می کند ، نمی تواند خود را از بندی که گرفتار شده است رها کند . رام کنندگان این روش را ادامه می دهند و با روش غذا دادن در حین بستن پای حیوان به درخت ، او را شرطی می کنند تا حیوان کوچک بزرگ شود و اندک اندک به این مسأله شرطی می شود و باور میکند که تنه درخت خیلی قوی تر از اوست. حیوان باور میکند که باید این قاعده را رعایت کند. وقتی که حیوان بالغ و

نیرومند شد ، کافی است نخی را به دور پای او ببندید و سر دیگرش را به درخت کوچکی گره بزنند ، در عین حال که حیوان می تواند درخت را از جا بکند ، اما او برای رها کردن خود تلاشی نخواهد کرد. زیرا خوی حیوانی او این چنین عادت کرده است. خوی حیوانی انسان هم کافی است که به چیزی عادت کند ، در آنصورت اگر فرد ضعیف باشد ، اراده و روان او کم کم گرفته خواهد شد و قادر نیست که یک ریسمان کوچک را پاره کند. اگر انسان نفس خویش را پرورش ندهد، خوی حیوانی خویش را نمیتواند کنترل کند و قادر به پاره کردن یک ریسمان ساده هم نیست.

انسانهای ضعیف به خود جرأت تلاش کردن برای تغییر موقعیت را نمی دهند ، غافل از اینکه تنها با یک تلاش مردانه و با جرات، میتوانند خوی های حیوانی غلط خویش را پاره کنند و از قید و بند خوی های حیوانی رها شوند. کافی است حقه شیطان را تشخیص دهد و یک ریسمان غیر قابل رویت را پاره کند.

بعضی از جادوگران سنتی برای اینکه از شیطان کمک بگیرند؛ بنا بر تجربه جادوگران قدیمی تر از خود؛ در مدفوع خود میخوابند و خون می خورند و بعضا قلب موجودات زنده دیگر را می خورند. حتی بعضی از آنها ، بمدت چهل روز با ادرار خود وضو می گیرند و کارهای دیگری انجام میدهند. این کارها تماما به آن خاطر است که نیروهایی را از شیاطین اخذ کنند. حتی حیوانات هم اینچنین نمی کنند. به همین خاطر خدا میفرماید که بعضی انسانها از حیوانات هم گمراه ترند.

این نوع جادو در در میان مردم عامه هم گسترش پیدا کرده است؛ البته این بار با نام لذتهای جنسی. انواع روابط و روشهای کثیف در مسائل جنسی میان مردم گسترش پیدا کرده است. خدای مهربان عمدا اعضاء جنسی انسان را سه منظوره آفریده است. یک عضو جنسی بنی آدم ، برای ادرار و تولید مثل هم هست و خدا با این روش میخواهد به مردم بفهماند که مردان و زنان نباید از آلات جنسی خود به شکل غیر معمول استفاده کنند. قوم لوط همین بلا سرشان آمده بود. آنان دچار جادو شده بودند و به پیشنهاد شیطان روشهای دیگری را برای مسائل جسنی اختراع کرده بودند و به کسانی که ایمان آورده بودند؛ لقب طاهرین داده بودند.

وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ ﴿٨٢﴾

ولی پاسخ قومش جز این نبود که گفتند آنان را از شهرتان بیرون کنید زیرا آنان کسانی اند که به پاکی گرایش دارند (٨٢)

خود قوم لوط هم معتقد بودند که روششان روش کثیفی است و حتی حیوانات هم از این روش استفاده نمی کنند. به همین خاطر انسان میتواند از حیوانات هم گمراهتر باشد.

شاید توجه کرده باشید که یک الاغ بدون هدف و بی مقدمه و ناوقت فریاد سر میدهد و باعث آزار و اذیت دیگران میشود.

وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿۱۸﴾
و از مردم [به نخوت] رخ برمتاب و در زمین خرامان راه مرو که خدا خودپسند لافزن را دوست نمی دارد (۱۸)

وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ ﴿۱۹﴾
و در راه رفتن خود میانه رو باش و صدایت را آهسته ساز که بدترین آوازها بانگ خران است (۱۹)

کسانی که عصبانی میشوند، در حین خشم صدایشان را بلند میکنند و از گلو داد میزنند. آنان برای حرف زدن از زبان و لب استفاده نمی کنند و برای ابراز حس خشم و عصبانیت خود، از گلو هم استفاده میکنند. شیطان در حین عصبانیت ، قواعد سخن گفتن را برای قربانیانش عوض میکند. خدا برای صحبت کردن، زبان و دو لب داده است. استفاده از گلو و دادزدن برای صحبت کردن مناسب نیست. بعضی از موسیقی های راک ، از گلو برای تاثیر گذاری آوازهای خود استفاده میکنند و حس خوشایندی به شنونده نمی دهد.

أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ ﴿۸﴾
آیا دو چشمش نداده ایم (۸)

وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ ﴿۹﴾
و زبانی و دو لب (۹)

کسی که صدایش را بلند میکند، به نوعی می خواهد عقل و منطق را تحت تاثیر قرار داده و از احساس خشم و عصبانیت و ترس برای پیشبرد هدف خویش استفاده میکند. این همان پوشاندن عقل است. یعنی شیطان در هر حالت، میخواهد منطق و تفکر را از افراد بگیرد و میخواهد احساسات منفی را جایگزین آن کند. زیرا احساسات منفی شامل خشم، تهدید، عصبانیت ، کینه، تهدید و ... شامل ترس هستند و شیطان از همین ترسها بر مردم مسلط میشود.

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٦٨﴾

شیطان شما را از تهیدستی بیم می دهد و شما را به زشتی وامی دارد؛ و(لی) خداوند از جانب خود به شما وعده آمرزش و بخشش می دهد، و خداوند گشایشگر داناست. (۲۶۸)

یک گرگ هیچوقت از کسی خواهش نمی کند که به او غذا دهد؛ او فقط قانون حمله و شکار را انتخاب میکند. این را خدا بطور غریزی در وجود او گذاشته است و شاید برای ما انسانها ناخوشایند باشد ؛ ولی طبیعت قوانین خودش را دارد و برای بقا و نرمال سازی خود به چنین موجوداتی نیاز دارند. اما خدا از انسان میخواهد که انسان باشد و مثل حیوانات ، صفات حیوانی را انتخاب نکند. انسان همزمان میتواند صفات بدِ خوک و گرگ و خر و سگ و میمون طرد شده و سایر حیوانات را با هم یکجا داشته باشد و به همین خاطر انسان میتواند بسیار خطرناکتر و گمراهتر از حیوانات شود.